



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم شهرستان کازرون - 16 اردیبهشت/ 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على اله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين ؛ سيما بقيّة الله في الارضين.

خدای متعال را سپاسگزارم که این توفیق را به این بنده ی حقیر عطا فرمود که در جمع پر شور مؤمن انقلابی مردم کازرون در این سفر بتوانم شرکت کنم. من در واقع به مردم کازرون بدهکار بودم ؛ در سفرهای قبلی در دوران ریاست جمهوری به استان فارس، این توفیق دست نداده بود ؛ خدا را سپاسگزارم که تفضل فرمود و من توانستم از این شهری که از لحاظ سابقه ی تاریخی، از لحاظ نشانه های عمیق انقلابی، یکی از درخشانترین شهرهای فارس، بلکه سراسر کشور محسوب میشود، دیدار کنم و در جمع شما برادران عزیز، خواهران عزیز شرکت کنم. این جلسه هم بحمدالله مالمال است از ذوق و معنویت و روحیه ی انقلابی و اعتقاد عمیق دینی ؛ و این یکی از تفضلات پروردگار به شما مردم عزیز است که پاداشی است برای تلاش طولانی مدت شما در گذشته ی تاریخ در مجاهدت در راه خدا.

کازرون در تاریخ نزدیک به دوران معاصر ما، يك شهر شاخص و به یادماندنی است. در دوران تجاوز دولت استعمارگر انگلیس به خلیج فارس، کازرونی ها جایگاه بزرگی را در مبارزه به خودشان اختصاص دادند. در دوران نهضت ملی شدن نفت، در تبعیت از مرحوم آیت الله کاشانی (رضوان الله علیه) این مردم نقش آفریدند. در پانزدهم خرداد، مردم کازرون جزو مردم شهرهائی بودند که حضور برجسته و روشنی را از خود نشان دادند. در سال آخر مبارزات و نزدیک پیروزی انقلاب هم جوانان کازرونی و مردم مؤمن این دیار در مقابله ی با رژیم طاغوت آن چنان استقامتی، آن چنان قیامی از خود نشان دادند که در میان یازده شهری که در سرتاسر کشور در آنها حکومت نظامی اعلام شد، یکی شهر کازرون بود ؛ این خیلی اهمیت دارد. در همان دوره هم باز کازرون شهادتی را تقدیم کرد.

در وادی علم و ادب و تربیت انسانهای برجسته هم تاریخ گذشته ی کازرون، تاریخ پر افتخاری است ؛ علاوه بر اینکه نسبت سلمان فارسی - چهره ی شاخص زنده ی برجسته ی همیشگی تاریخ اسلام - این صحابی بزرگوار به این منطقه هم خود مایه ی افتخار است. البته سلمان فارسی متعلق به همه ی ایران است ؛ همه ی مردم ایران، همه ی فارسی زبانان، همه ی کسانی که ستایش پیامبر اکرم از مردم فارس، متوجه آنهاست، مفتخر به جناب سلمانند. سلمان متعلق به کشور ماست، متعلق به ملت ماست. مردم کازرون، ولادت او را در میان خودشان و در این ناحیه میدانند ؛ مردم اصفهان، نشو و نمای او را در منطقه ی اصفهان میدانند ؛ منافاتی هم ندارد. علاوه بر شیراز، علاوه بر استان فارس و شهر کازرون و دشت ارژنه، که نام مبارك سلمان فارسی را به خودشان متوجه میکنند و حق هم دارند، و علاوه بر مردم اصفهان که بر نشو و نمای این عنصر الهی مدعی اند که در میان آنها بوده است و حق هم با آنهاست، همه ی مردم ایران - از دور و نزدیک - مفتخرند به شخصیتی مثل سلمان.

قالوا ابوالصقر من شیبان قلت لهم

کلا و لکن لعمری منه شیبان



نباید گفت سلمان فارسی از فارس یا از ایران است، باید گفت فارس و ایران از سلمان فارسی است. مقام ایمان، مقام معرفت، مقام مجاهدت در راه خدا، پیگیری برای رسیدن به سرچشمه ی زلال حقیقت، آن چنان يك انسانی را بالا میبرد که پیغمبر بفرماید: «سلمان منا اهل البیت». او را جزو اهل بیت به حساب بیاورد؛ و شخصیت‌هایی مثل جناب ابی ذر و عمار و مقداد و دیگر صحابی‌ها در مقام تقویم و مقایسه در رتبه‌های بعد از سلمان قرار بگیرند؛ این برای ما درس است، این برای جوان ایرانی الگوست؛ یعنی حقیقت را جستن، جستجو کردن، یافتن و بر آن پای فشردن. این آن چیزی است که سلمان را سلمان می‌کند؛ همچنانی که مجاهدت، صفا، پایبندی به عقیده ی حقی که آسان به دست نیامده است، مردم کازرون را به يك مردم نمونه ای تبدیل می‌کند که یاد مردم کازرون، نام مردم کازرون، نام شهر کازرون در ذهن انسانی که علاقه مند به سرنوشت این کشور است، همواره ثبت و حک میشود. اینها شرافتهای حقیقی است. در مشخص کردن سلسله ی ارزشهای اسلامی، ما روی این ارزشها تکیه میکنیم. زن و مرد کازرونی، جوان کازرونی برای اینکه در منطق اسلام جزو اشراف به حساب بیایند و شریف محسوب بشوند، روی این چیزها باید تکیه کنند: روی استقامت و ایستادگی و ثبات قدم بر آن سخن حقی که آن را شناخته اند و از آن پیروی کرده اند و به آن دل بسته اند. این مایه ی شرافت است؛ «اشراف امتی حملة القرآن و اصحاب اللیل». دیگران صاحبان ثروت را، صاحبان مقام را، اشراف میدانند. اسلام معیارش برای تعیین شریف، معیار دیگری است. هرکه بیشتر در راه خدا مجاهدت میکند، هرکه بیشتر و عمیق تر به مبانی الهی دل میبندد، هرکه صادقانه تر در این راه قدم میگذارد، شرافتش پیش پروردگار بیشتر است. این شرح اخلاص و ارادت قلبی ما به شما مردم عزیز کازرون که بدانید همچنانی که شما به مسئولین کشور و به این بنده ی حقیر اظهار محبت میکنید، دل ما هم از محبت شما مردم لبریز و مالامال است.

اشاره کردم به گذشته ی غیرتمند انقلابی مردم کازرون. به همین دلیل هم مردم کازرون و کلاً به يك معنا استان فارس، از نظر رژیم طاغوت يك استان مطلوب نبود؛ يك استان مغضوب به حساب می آمد. نگاه کنید به شیراز و ببینید تلاش فرهنگ سازی های طاغوتی را، تلاش استحاله را در آن دوره ی طاغوت. این را مقایسه کنید با فعالیت‌هایی که يك دولت باید برای يك استانی مثل استان فارس انجام بدهد؛ از لحاظ عمرانی و آبادانی. می بینید که در رژیم طاغوت کانه برای آبادانی این استان و ساخت زیربنای لازم برای رشد این استان، توجهی نشده است. راه های استان مشکل دارند؛ آب استان مشکل داشته است، سدبندی، راه سازی، ایجاد صنایع بزرگ در سرتاسر این استان مورد غفلت قرار گرفته است. استانی در قلب کشور و با این عظمت تاریخی، از لحاظ راه های مواصلاتی و ارتباطی جزو استانهای عقب افتاده محسوب میشده است؛ نمیخواستند. نگاه به این استان و به طور کلی به مسائل کشور در دوران حاکمیت طاغوت، نگاه دلسوزانه، علاج جویانه و معطوف به رفع مشکلات نبود. نگاه، نگاه دیگری بود؛ با محاسبات دیگری بود.

شما ببینید آن روزی که راه آهن به این کشور آمد، آنچه که در وهله ی اول به ذهن هر کسی میرسید، این بود که مرکز کشور را از راه این استانهای مرکزی - یعنی اصفهان و فارس - به خلیج فارس متصل کنند؛ این طبیعی ترین کاری بود که در این کشور ممکن بود انجام بگیرد. اینها این کار را نکردند. آن نویسنده ی سیاسی انگلیسی که خودش سیاستمدار است - وابسته ی به همان دستگاه استعماری خائن به منافع این کشور - در کتابی که نوشته - که ترجمه شده به فارسی - به نام «ایران و قضیه ی ایران»، اعتراف می‌کند که راه آهن ایران باید از تهران می آمد، از مرکز کشور - از استان اصفهان، از استان فارس - عبور میکرد، میرفت تا میرسید به خلیج فارس؛ اما این کار انجام



نگرفت. راه آهن ایران را در دوران طاغوت، در دوران رضاخان، با محاسبه ی منافع قدرتهائی که دشمنان بزرگ این کشور محسوب میشدند - یعنی انگلیس و روس آن روز - کشیدند، اسمش را هم گذاشتند راه آهن سراسری! دروغ محض؛ کدام سراسری؟ برای اینکه جبهه ی آن روز متفق جنگ - یعنی انگلیس و روس - بتوانند در دو طرف کشور ما سلاح و مهمات منتقل کنند، از نفت کشور بتوانند استفاده کنند، آمدند از بخشی از خلیج فارس، آن هم با یک فاصله ای، راه آهنی کشیدند به تهران؛ از آنجا هم به بخشی از دریای خزر، برای اینکه قشون روس و قشون انگلیس بتوانند به همدیگر متصل شوند و سلاح و تجهیزات و امکانات منتقل کنند و نفت ایران را بردارند ببرند هرجائی که میخواهند، مصرف کنند. یعنی سیاست حاکم بر یک عمل عمرانی در کشور که عبارت است از ساخت خط آهن اینقدر تحت تأثیر سیاستهای استعماری و نفوذ بیگانگان در کشور انجام میگرفت. آن وقت نتیجه این میشود که شیراز در قلب کشور راه آهن ندارد. البته به فضل الهی، به توفیق الهی، اولاً در این سالهای دوران انقلاب از لحاظ راه های مواصلاتی در این استان کارهای خوبی انجام گرفته؛ ثانیاً همین خط آهن و همین راه های متصل کننده ی این منطقه به مناطق آب و مناطق دیگر کشور، به لطف الهی، به حول و قوه ی الهی، به دست جمهوری اسلامی انجام خواهد گرفت؛ این کار خواهد شد. این حق استان فارس است و باید انجام بگیرد. در همه ی زمینه ها، بخصوص در سالهای اخیر بحمدالله کارهای خوبی انجام گرفته است؛ در زمینه ی صنایع، صنایع بزرگ، سدسازی و غیره. و این رشته ی کار خدمات تولیدی برای این استان، مثل بقیه ی استانها، آنچنانی که شایسته ی آنهاست و حق آنهاست، به وسیله ی دولتها باید انجام بگیرد و به توفیق الهی ان شاءالله انجام خواهد گرفت.

ملت ایران وجود خود را، هستی خود را در راه رسیدن به این آرمان بزرگ به میدان آورد. در حقیقت ملت ایران در دوران انقلاب اسلامی احساس هویت کرد. آنچه که دشمنان، دشمنان بنیانی این ملت همیشه میخواسته اند و دنبال میکردند، این بوده است که از این ملت سلب هویت کنند. وقتی یک ملتی احساس شخصیت نکرد، احساس هویت نکرد، راحت تر زیر بار میروند؛ گذشته ی او را انکار میکنند، امکانات او را انکار میکنند، قدرتهای درونی و ذاتی او را انکار میکنند، برای اینکه بتوانند براحتی آن ملت را، آن کشور را در مشت بگیرند. این کاری بود که در دوران استتال ی فرهنگی، یعنی دوران منحوس پهلوی، در این کشور با شدت ادامه پیدا کرد و روز به روز در آن سالها تقویت شد.

جمهوری اسلامی، جهت را صد و هشتاد درجه تغییر داد. ملت ایران احساس هویت میکند؛ هویت اسلامی که هویت ایرانی هم نشأت گرفته ی از همین هویت اسلامی است. احساس میکند که ایران اسلامی همان هویت گمشده ای است که بایستی این ملت دوباره آن را به دست بیاورد و بر اساس او، آرمانهای خود را معین و برنامه ریزی کند و تلاش و مجاهدت خود را شکل دهد. این کاری است که ملت ما بخوبی انجام داده است و دارد انجام میدهد. من این آیه های یاسی را که بعضی پی در پی تکرار میکنند، مطلقاً قبول ندارم و آنها را انکار میکنم. من با اطلاع از مسائل گوناگون کشور بزرگ و ملت عظیم الشانمان بالعیان می بینم که این ملت و جوانان این ملت با گذشت زمان و تقریباً سه دهه از آغاز پیروزی انقلاب، نسبت به مبانی انقلاب عمیق تر، پخته تر و مجرب تر شده اند.

شور انقلابی مثل یک شعله ای است که بلند میشود، ممکن است این شعله فرو بنشیند؛ اما آن هیزمهای محکمی که با این شعله توانسته است آتش بگیرد و خود را به سمت مشتعل شدن و برافروخته شدن و گداخته شدن پیش ببرد، تأثیرشان از آن شعله بیشتر است. شعله فرو می نشیند، اما آتشیهای ماندگار - که برکت هم از آن آتشیهای ماندگار برای یک ملت به وجود می آید - روز به روز بیشتر میشود.



امروز دشمنان ملت ایران درمانده اند در مقابل حرکت این ملت؛ نمیدانند با این ملت چه کنند. من به شما مردم عزیز کازرون و این منطقه و شما جمعیت صمیمی که در اینجا جمع شده اید عرض کنم: دشمن نظام جمهوری اسلامی، یعنی شبکه ی استکبار جهانی - نه فقط حکومت آمریکا یعنی آن مجموعه ی سردمداران قدرت اقتصادی ظالمانه ی امروز دنیا که دولتها را می آورند و میبرند؛ در همین کشورهایی که به نام دموکراسی معروف شده اند، در خود آمریکا و در بعضی از کشورهای دیگر که با شبکه ی صهیونیستی پیوند استوار دارند، اینها هستند. دولت‌هایی که با این شبکه ی پرنفوذ و پر قدرت مستکبر جهانی در ارتباطند، منافع خودشان را در برابر نهضت اسلامی و بیداری اسلامی در خطر می بینند؛ این منافع نامشروع را در تهدید می بینند. دشمن، آنهایند. این دشمن از همه ی وسائل ممکن برای مواجهه ی با این ملت استفاده کرده است و در مانده است. شما ببینید در این سی سال چه کار میتوانستند بکنند که نکردند. هر کاری نکردند، به خاطر این بوده است که در حساب زیان و سود، در حساب فایده و ضرر وقتی محاسبه کردند، دیده اند فایده ندارد، برایشان ضرر بیشتری دارد. اگر کاری نکردند، به خاطر این است که محاسبه کرده اند، دیده اند برایشان مضر است اگر این کار را انجام دهند. والا هر کاری که توانستند و برایشان مضر نبوده، انجام داده اند؛ محاصره ی اقتصادی کرده اند، حمله ی نظامی کرده اند، کودتای نظامی در داخل راه انداخته اند، در بین جمعیت کشور افراد ضعیف النفسی را گوشه و کنار پیدا کرده اند، با خودشان همراه کرده اند، تبلیغات با زبان آنها، با نقس آنها علیه انقلاب انجام داده اند، حتی با کمونیستها در این مملکت ساخته اند.

استکبار آمریکائی که يك روزی دشمن علنی اش در دنیا مارکسیزم و کمونیزم بود، برای مقابله ی با ملت ایران گشتند گرایشهای چپ و کمونیستهای زهوار دررفته ی قدیمی را گوشه کنار پیدا کردند؛ با آنها هم ساختند! شاید بتوانند به ملت ایران صدمه ای بزنند؛ اما در همه ی این قضایا ناکام ماندند. ملت ایران بر آنها غلبه کرد.

امروز ما باید بدانیم این دشمن ناکام مانده ی در مقابل ملت ایران نقشه اش چیست. باید بیدار باشیم: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللّوابس». اگر صحنه را بشناسیم، عرصه را بشناسیم، دشمن را بشناسیم، نقشه ی دشمن را بدانیم، غافلگیر نخواهیم شد. باید این را بدانند ملت ایران. بحمدالله ملت ما، ملت هوشیاری است؛ زبان آوران و سخنگویان و صاحبان و روشنفکران زیادی هم در میان علمای دین، در میان علمای دانشگاه هستند که مردم را ارشاد میکنند، راهنمایی میکنند. جوانان پر شور ما هم در عرصه های مختلف رشد پیدا کرده اند. امروز در میان مردم ما، جوانان بسیجی ما در میدانهای علم، در میدانهای تجربه، در میدانهای فناوری های دشوار پیشرفت کرده اند. ملت، يك چنین ملتی است. بنابراین شناخت صحنه برای ملت ما مشکل نیست.

من به شما عرض میکنم، امروز یکی از نقاطی که دشمن ما بر روی آن سرمایه گذاری میکند، مسئله ی اختلافات است. اختلاف بین این مذاق سیاسی، با آن مذاق سیاسی؛ اختلاف بین این استان با آن استان؛ اختلاف بین این سلیقه با آن سلیقه؛ اختلاف بین این مذهب با آن مذهب؛ یکی از راه ها این است. البته در دنیای اسلام این را دنبال میکنند. همین اخیراً در يك گزارشی دیدم و خواندم پارلمان انگلیس به دولت کشورشان - مال همین چند هفته پیش است - سفارش میکند که در دنیای اسلام، آن نقاطی که فرقه های اسلامی و مذاهب اسلامی در آنها با هم توافق ندارند، آنها را جستجو کند، پیدا کند، بر روی آنها تکیه کند؛ یعنی ایجاد اختلاف؛ یعنی جنگ بین مذاهب اسلامی. در داخل هم به يك شکل دیگری، همان طور که عرض کردیم، این را دارند دنبال میکنند.

یکی از راه ها، سرگرم کردن جوانان است. من به جوانهای کشور چند سال قبل از این گفتم آینده ی کشور مال



شماست، بروید دنبال علم، دنبال نوآوری علمی. و جوانهای دانشگاهی ما پاسخ مثبت دادند؛ اساتید مجرب ما در این میدان با حضور خود، با جدیت خود، کار را پیش بردند. امروز که نگاه میکنیم، می بینیم نسبت به ده سال، پانزده سال قبل از این، پیشرفت علمی کشور بسیار چشم نواز و چشم گیر است، بعد از این هم همین خواهد بود. جوان را سرگرم کردن، مشغول کردن به لهو و لعب، به چیزهایی که او را از مسیر اصلی زندگی انقلابی ملت ایران دور میکند، یکی از برنامه های آنهاست. دیانت جوان ما، تقوا و پارسائی و پاکدامنی جوان ما برای آنها نامطلوب است.

ما باید در مقابل این، برای خودمان مصونیت ایجاد کنیم. ملت ایران با وحدت خود، اتحاد و همبستگی خود، با تلاش و مجاهدت خود، با جدی گرفتن حرکت عظیم ملت ایران به سوی قله های کمال، میتواند بر دشمن فائق بیاید و به توفیق الهی بر دشمن فائق خواهد آمد.

خدای متعال در طول این سی سال به ما کمک کرده است. در برهه های مختلف کمک الهی را، دست قدرت الهی را پشت سر این ملت، آدم مشاهده میکند و می بیند. یکیش همین است که امروز دولتی که مظهر استکبار است - دولت آمریکا دچار مشکلات فراوانی است. ناکامی های دولت آمریکا، چیز کوچکی نیست. به همین هفت، هشت سال اخیر نگاه کنید؛ در قضیه ی فلسطین شکست خوردند، در زدودن فکر فلسطین از ذهن ملتها شکست خوردند؛ در تسلط بر سرنوشت ملت عراق شکست خوردند، آن حکومت مطلقه ی يك جانبه ای که میخواستند در عراق به وجود بیاورند، ناکام ماندند. نامزد ریاست جمهوری آمریکا - همین دو سه روز قبل از این - اعلام کرده است که حمله ی آمریکا به عراق به خاطر نفت خاورمیانه بود. يك غوغائی را در مطبوعات و در رسانه های آمریکا، حرف این نامزد ریاست جمهوری درست کرده. خوب، این حرفی است که ما روز اول گفتیم. آن روزی که آمریکا برای حمله ی به عراق مقدمه سازی میکرد، و آن روزی که این حمله را انجام داد، ما صریحاً و علناً گفتیم شما دروغ میگوئید که میگوئید دنبال آزادسازی مردم عراق آمده اید؛ نه، شما دنبال اسارت مردم عراقید. «چو دیدم، عاقبت گرگم تو بودی». صدام، گرگ ضعیفتری بود نسبت به نیروهای اشغالگر آمریکائی. آمدند، گفتیم برای نفت آمده اند؛ نه فقط نفت عراق، بلکه برای نفت منطقه؛ برای اینکه يك پایگاهی در خلیج فارس با زور و قدرت، نه با سیاست، به دست بیاورند. آمریکائی ها به این نیت آمدند. حالا این آقای نامزد ریاست جمهوری حزب جمهوریخواه آمریکا صریحاً این معنا را اعتراف میکند و میگوید من يك نقشه ای دارم که آمریکا دیگر احتیاج به نفت خاورمیانه نداشته باشد، که مجبور نباشد جوانهایش را به میدان جنگ بفرستد. یعنی ملت آمریکا از این حرکتی که دولت آمریکا برایشان سازماندهی کرده است، از جنگ عراق و از اشغال عراق، آنقدر متنفرند و آنقدر ناراحتند که يك نامزد ریاست جمهوری برای اینکه آراء مردم را جلب کند، روی این نقطه تکیه میکند.

این ناکامی دولت آمریکا نیست؟ ناکامی از این بالاتر؟ در فلسطین ناکام شدند، در عراق ناکام شدند، در تسلط بر افغانستان ضعیف حتی ناکام شدند، در پیاده کردن نقشه های خود در کشور لبنان ناکام شدند. البته زبانشان باز است، تهدیدشان همیشگی است. ابرقدرتها، بیش از آنچه با واقعیت حقیقی وجود خودشان زندگی کنند، با تهدید خودشان زندگی میکنند، برای اینکه طرف مقابل را مرعوب کنند.

ملت ایران این راز را کشف کرد و در مقابل تهدید آمریکا و دیگر ابرقدرتها و دیگر متجاوزین و قلدرها و یاوه گوها مرعوب نشد و نخواهد شد.



ولی من به شما عرض بکنم: عزیزان من! مردم مؤمن و جوانان پرشور کازرونی! و همه ی جوانان در سرتاسر کشور! این مرعوب نشدن صفت خیلی خوبی است، این شجاعت خصوصیت ممتازی است، این آگاهی و هشیاری بر توانائی درونی خود، امتیاز بزرگی است؛ اما اینها هیچکدام کافی نیست؛ اینها لازم است، اما کافی نیست. همه باید تلاش کنیم، دولت و ملت باید تلاش کنند؛ این کشور باید به عنوان يك الگوی اسلامی ساخته شود. جنبه های اقتصادی، جنبه های فرهنگی باید به وسیله ی مسئولان، به وسیله ی مردم، به وسیله ی آحاد جوانان باید مورد اهتمام قرار گیرد؛ همه باید احساس مسئولیت کنند.

و اگر بخواهیم این مسئولیت در کشور جواب دهد، و مسئولان کشور به کمک مردم بتوانند ایران آینده را آنچنانی که لایق ایرانی و لایق نام مقدس اسلام است بسازند، راهش این است که ارتباط میان مردم، ارتباط میان ملت و مسئولان کشور - همچنانی که امروز هست - يك ارتباط مستحکم و صمیمانه باقی بماند. هر کس ملت را به تفرقه دعوت کند، هر کس سعی کند میان ملت و مسئولان کشور فاصله بیندازد، هر کس بر طبل اختلافات بکوبد، کاری بر خلاف مصلحت این کشور و این ملت انجام داده است؛ هر کی میخواهد باشد.

اتحاد را، اتفاق را، وحدت کلمه را، حسن ظن به یکدیگر را باید حفظ کرد. قرآن میگوید: «لو لا اذ سمعتموه ظن المؤمنون و المؤمنات بأنفسهم خیرا»؛ دلہاتان را با هم صاف کنید، دست در دست هم پیش بروید؛ شک نداشته باشید که خدای متعال این چنین ملتی را، این چنین دلہای صادقی را، این چنین گامہای استواری را کمک و حمایت خواهد کرد.

بحمداللہ با تفضلات الہی، ملت در همه جا آماده است، مسئولان کشور هم آماده اند؛ مسئولان کشور هم آماده ی خدمت رسانی اند و این ملت و این مسئولین میتوانند بر همه ی مشکلات فائق بیایند و بر همه ی مشکلات فائق خواهند آمد. بدانید؛ دشمنان میگویند جمهوری اسلامی عمرش از فلان قدر بیشتر نخواهد شد؛ من میگویم این دشمنان همه در حسرت زوال جمهوری اسلامی خواهند مُرد. و ملت ایران سربلند، سربلند و آبرومند در دنیا خواهد ایستاد و روز به روز رفعت مقام ملت ایران بیشتر خواهد شد.

آن روز ما ممکن است نباشیم، اما شما جوانها هستید. یادتان باشد، راه، راه اسلام است؛ راه خداست. اگر میخواهید این کشور کهن، این کشور پر برکت، این مهد تمدن و فرهنگ به جای حقیقی خود برسد و برای کشورهای دیگر الگو شود، باید راه اسلام و تمسک به اسلام را هرگز از یاد نبرید. امیدواریم دعای حضرت بقیة اللہ (ارواحنا فداه) شامل حال همه ی شما مردم عزیز باشد.

من تشکر میکنم از این محبتی که کردید، از این اجتماعی که انجام دادید، از آن سرود دسته جمعی پرشور و باحالی که همه با هم اجرا کردید و امیدوارم ان شاءاللہ خداوند متعال الطاف و برکات و تفضلاتش را بر شما مردم کازرون و بر سراسر استان فارس همیشه شامل بدارد و همه ی شما را مشمول لطف و رحمت خود قرار دهد.

پروردگارا! دلہای پاک این جوانان عزیز، این مردم عزیز، این زن و مرد مؤمن را با انوار هدایت خود و دستگیری خود نورانی بفرما؛ ملت ایران را سرفراز کن؛ بر دشمنانش پیروز کن؛ دشمنانش را منکوب و مقهور و ذلیل بفرما. پروردگارا! قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی و خشنود کن؛ ما را سربازان حقیقی آن بزرگوار قرار بده؛ روح مطہر



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

شهیدان، روح مبارک امام شهیدان را روز به روز متعالی تر بگردان.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته